

تأثیر سبک والدینی و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران بر حرمت‌خود کودکان

The effect of parenting style and early maladaptive schemas on children's self-esteem

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۱۹

Daemi F. [✉], Janbozorgi M. *PhD*

فاطمه دائمی [✉]، مسعود جان‌بزرگی^۱

Abstract

Introduction: considering the significant contribution of self-esteem to sense of well-being, this study aimed at investigating the parenting styles and mothers' negative schemas as predictors of self-esteem in the elementary school students in Tehran.

Method: Towards this end, the numbers of 1260 people (630 elementary school students and 630 mothers) were selected. These elementary school children studying at 4th and 5th grades in Tehran were selected using a random cluster sampling method and were asked to complete the Coopersmith self-esteem scale. Their mothers also responded to the parenting styles and Young schemas scales questionnaire. Correlation and multiple regression analyses were used to analyze data.

Results: Results of Correlation indicated that significant relation between mother's parenting styles, early maladaptive schemas and children's self-esteem. Also results of regression analysis indicated that among parenting styles, authoritarian parenting style and among mother's schema domains and schemas, disconnection and rejection domain, emotional deprivation and emotional inhibition schemas were the most rigorous predictors of children's self-esteem.

Conclusion: in Tehran's families, the children's self-esteem might be highly influenced by the mothers' parenting styles and schemas, and therefore in order to optimize the children's level of self-esteem, it will be helpful to teach the principles of the authoritative parenting style and rational beliefs to the parents.

Keywords: Parenting Style, Schema, Self-esteem

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر با توجه به اهمیت حرمت‌خود در بهزیستی، با هدف بررسی پیش‌بینی‌کننده‌های حرمت‌خود کودک براساس سبک‌های والدینی و روان‌بنه‌های منفی مادر در میان کودکان شهر تهران انجام شده است.

روش: برای این منظور تعداد ۱۲۶۰ نفر (۶۳۰ کودک و ۶۳۰ مادر) انتخاب شدند. کودکان این نمونه از میان کودکان محصل در مقطع چهارم و پنجم ابتدایی به روش تصادفی خوشه‌ای در سطح شهر تهران انتخاب شدند و به آزمون حرمت‌خود کوپراسمیت پاسخ دادند. همچنین مادران آنها نیز توسط آزمون‌های سبک‌والدینی و روان‌بنه یانگ به روش پرسشنامه‌ای مورد سنجش قرار گرفتند. داده‌های حاصل با استفاده از روش‌های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج همبستگی حاکی از ارتباط معنادار سبک‌های والدینی و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران با حرمت‌خود کودکان است. نتایج رگرسیون نیز حاکی از نقش قوی سبک‌والدینی سخت‌گیرانه از میان دیگر سبک‌های والدینی مادر و نقش حوزه انفعال و طردشدگی روان‌بنه‌ها، روان‌بنه‌های محرومیت عاطفی و بازداری هیجانی از میان دیگر حوزه‌ها و ابعاد روان‌بنه‌های مادر در پیش‌بینی حرمت‌خود کودک است.

نتیجه‌گیری: در خانواده‌های تهرانی حرمت‌خود کودکان تا حد زیادی می‌تواند تحت تأثیر سبک‌های والدینی و روان‌بنه‌های مادران آنها باشد و برای بهینه‌بودن سطح حرمت‌خود کودکان، فرهنگ‌سازی سبک‌والدینی مقتدرانه و آموزش باورهای منطقی از اهمیت برجسته‌ای برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: سبک والدینی، روان‌بنه (طرحواره)، حرمت‌خود

[✉] **Corresponding author:** Department of Psychology, University of Science & Culture, Tehran, Iran
Email: Daemi.f@hotmail.com

[✉] گروه روانشناسی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران
۱- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

در سطح مفهومی، حرمت خود (Self-esteem) را به‌طور سنتی به عنوان بخش ارزیابی شده خودپنداشت (Self-concept) در نظر گرفته‌اند [۲۰،۱]. بنابراین حرمت‌خود که جنبه ارزیابی‌شده خودپنداشت و ارزشیابی توانایی هر فرد را به عهده دارد، وابسته به پذیرش و تثبیت ویژگی‌های شخصیتی هر فرد می‌باشد [۴،۳] و تأثیر شگرفی بر رفتارهای شخص، تجارب، احساس، رفتار آینده و قضاوت روان‌شناختی بلندمدت فرد درباره خودش دارد [۵۶،۷،۸]. در واقع راهی را که هر شخص در زندگی تجربه می‌کند و تصمیمات مهم وی در زندگی از قبیل انتخاب شغل، شریک زندگی، کارایی در محیط کار و تصمیماتی که برای حفظ خود می‌گیرد و پذیرش خطر در برابر رفتارهای غیرضروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد [۹].

اخیراً گرایگوردیل و همکارانش [۱۰] رابطه‌ای سلسله‌مراتبی بین حرمت‌خود و خودپنداشت بیان کرده‌اند که وجود تعریف مشخصی از خود باعث ارزیابی مثبت فرد از خود می‌شود و به این شکل نقشی محافظت‌کننده در سیستم روانشناختی فرد، ایفا می‌کند.

اهمیت حرمت‌خود در پیش‌بینی جنبه‌های گوناگون بهزیستی، اعم از شخصی و روان‌شناختی، بارها تأکید شده است [۱۳،۱۲،۱۱]. معلمین، والدین، درمانگران و دیگر افرادی که با کودک سروکار دارند با این فرض که حرمت‌خود بالا منجر به پیامدهای مثبت می‌شود بر تلاش روی ارتقای حرمت‌خود تأکید دارند [۱۴] از طرفی نیز رابطه با والدین و همسالان دو منبع مهم حمایت اجتماعی هستند که به حرمت‌خود کمک می‌کنند [۱۵،۱۶]. بنابراین از میان متغیرهای مختلف، متغیر سبک والدینی (Parenting Style) می‌تواند از عوامل تأثیرگذار بر روی حرمت‌خود کودکان باشد زیرا یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که این سبک‌ها با متغیرهایی چون، خودناتوان‌سازی [۱۷]، خودپنداشت [۱۸،۱۹]، اختلالات خوردن و تغذیه‌ای [۲۰،۲۱]، اضطراب و مشکلات روان‌تنی [۲۲]، رفتارهای اجتماعی [۲۳] و اختلال‌های درونی سازی شده [۲۴] در کودکان رابطه دارند. این پژوهش نیز همچون اغلب پژوهش‌ها که روی سبک والدینی مادر تمرکز دارند تا سبک والدینی پدر [۲۵]: تأکید خود را روی مادران متمرکز کرده است.

بامریند در سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۸۹ دو بعد برای سبک والدینی تعیین کرده است. بعد اول توقع است که به میزان کنترل والدینی روی تمام فعالیت و رفتارهای کودک اطلاق می‌شود. والدینی که در این بعد نمره بالایی کسب می‌کنند استانداردهای بالایی را برقرار می‌کنند و از کودکانشان انتظار دارند که با این استانداردها سازگار شوند. بعد دوم سطح پاسخ‌دهی والدینی است که به‌میزان گرمی و حمایت‌کنندگی والدین از کودکانشان اطلاق می‌شود. والدینی که نمره بالایی در این زمینه کسب می‌کنند، بسیار پذیرا و پاسخ‌دهنده

هستند. بامریند با استفاده از این ابعاد سه سبک والدینی مقتدر، سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه را تعیین کرده است [۲۶].

بر اساس شواهد موجود، این موضوع که کیفیت رفتارهای هیجانی در خانواده - که به‌طور حیاتی برای بهزیستی اعضای خانواده مهم هستند - بحرانی برای شناخت و رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان است به‌وسیله محققان علاقه‌مند به مشکلات رفتاری نوجوانان و کودکان تصدیق شده است [۲۷].

بنابراین در پژوهش حاضر برای در نظر گرفتن نقش باورهای والدین (در اینجا مادران)، از بررسی روان‌بنه (Schema)ها، در کنار سبک والدینی، کمک گرفته شد. زیرا همان‌گونه که یانگ و همکارانش [۲۸،۲۹] معتقدند امروزه در درمان افسردگی، اضطراب مزمن و آسیب‌شناسی شخصیتی بر تجربه‌های دوره کودکی تأکید می‌شود و این تمرکز درمانی در راستای شناسایی روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه (Early Maladaptive Schemas) در چارچوب موضوع‌هایی همچون هیجان‌ها، شناخت‌ها و احساس‌های بدنی، با در نظر گرفتن فرد و رابطه‌اش با دیگران تعریف می‌شود که در طول دوره کودکی تحول یافته و تا بزرگسالی دوام دارند.

به باور یانگ [۳۰] روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه ساختارهای شناختی عمیقی، شامل باورهایی درباره خود، دیگران و محیط هستند که از ارضاء نشدن نیازهای اولیه به‌ویژه نیازهای هیجانی در دوره کودکی سرچشمه می‌گیرند. این روان‌بنه‌ها، اطلاعات مربوط به رابطه بین فرد و محیط را تحریف و افکار خودکار منفی را فعال می‌کنند و در نهایت نگرش‌ها و پردازش شناختی نابهنجار را در پی دارند و بنابر عقیده استالارد [۳۱] بر حافظه، شناخت، احساسات جسمانی و روابط بین فردی اثر می‌گذارند.

جان‌بزرگی [۳۲] معتقد است که روان‌بنه‌ها فراتر از یک فکر، بلکه کاملاً آینده‌ای از فکر و احساس و عمل هستند که به‌شکلی پویا علاوه بر طرح عمل‌بودن، انسان را نیز طراحی می‌کنند. خاصیت تکراری بودن آنها سبب می‌شود فرد نسبت به آنها خیلی آگاهانه عمل نکند و خاصیت اولیه بودن آنها باعث می‌شود که آنها خودتقویت‌گر باشند و این خودتقویت‌گری به آنها قدرت و ثبات داده و باتوجه به این که عنصر آگاهی خیلی در آنها دخالت ندارند، نسبت به تغییر مقاوم هستند.

با توجه به مطالب فوق مبنی بر اینکه روان‌بنه‌ها هسته باورهای اصلی فرد را تشکیل می‌دهند و تا بزرگسالی دوام دارند بعید نیست که تا حد زیادی بر سبک والدینی که پدر و مادر در سال‌های اولیه کودکی برای تربیت فرزندان به کار می‌گیرند موثر باشند، همچنین معلوم شد که حرمت‌خود کودکان متأثر از عوامل بیرونی به ویژه رفتار والدین است، حال با توجه به این یافته‌ها مسأله پژوهش حاضر این است که آیا سبک والدینی و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران بر این حرمت‌خود فرزندان آنها تأثیر دارند؟ پژوهش حاضر برای پاسخ‌گویی به این سوال طراحی شده است.

روش

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه کودکان دانش‌آموز در مقطع چهارم و پنجم دبستان است که در مدارس دولتی شهر تهران مشغول به تحصیل بوده‌اند. گروه نمونه شامل ۱۲۶۰ نفر (۳۰۶ کودک دختر، ۳۲۴ کودک پسر و ۶۳۰ نفر مادر) می‌باشد که به کمک روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده بودند. پس از تقسیم شهر تهران به ۵ حیطه جغرافیایی (شمال، غرب، مرکز، شرق و جنوب)، از هر حیطه ۱ منطقه و از هر منطقه یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه به‌طور تصادفی انتخاب و از هر پایه تحصیلی ۳۰ تا ۳۲ کودک عادی به‌طور تصادفی به همراه مادرانشان انتخاب شدند که در نهایت گروه پژوهش حاضر را تشکیل دادند. کودکان یا مادرانی که برای پرکردن پرسشنامه‌ها همکاری نکردند یا در موعد مقرر پرسشنامه را تحویل ندادند از جریان مطالعه حذف شدند. برای انتخاب فرد در مطالعه ملاک خاصی به‌جز دانش‌آموز فعال و تحصیل در مقطع صبح مدارس تهران ملاک دیگری مد نظر نبود چرا که در سطح مدارس، واحد کلاس آخرین واحد نمونه‌گیری بوده است. همه آزمودنی‌ها در تکمیل پرسشنامه‌ها آزاد و نسبت به پژوهش و محرمانه بودن هویت خود توجیه شدند.

در این پژوهش از دو پرسشنامه مداد-کاغذی برای والدین و یک پرسشنامه برای فرزندان آنها استفاده شد.

پرسشنامه حرمت‌خود [۳۳]: برای کودکان: کوپراسمیت این پرسشنامه را براساس تجدیدنظر در مقیاس راجر و دیموند (۱۹۵۴) تهیه کرده است. پرسشنامه مذکور دارای ۵۸ گویه است که ۸ ماده آن دروغ‌سنج است و ۵۰ ماده آن چهار مقیاس حرمت‌خود عمومی، اجتماعی، خانوادگی و تحصیلی را اندازه‌گیری می‌کند. شیوه نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت صفر و یک است. بدیهی است که حداقل نمره‌ای که یک فرد ممکن است اخذ کند، صفر و حداکثر ۵۰ خواهد بود. چنانچه پاسخ‌دهنده از ۸ ماده دروغ‌سنج بیش از ۴ نمره کسب کند، بدان معناست که اعتبار آزمون پایین است و آزمودنی سعی کرده است خود را بهتر از آنچه هست، نشان دهد. نایبی فرد [۳۴]، روایی همگرایی مثبت بین آزمون کوپراسمیت و آیزنک را ۰/۷۸ و همچنین ضرایب اعتبار این آزمون با روش بازآزمایی برای دختران و پسران را به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۲ گزارش کرده است. این پرسشنامه توسط کودکان پاسخ داده شد.

پرسشنامه سبک والدینی [۲۳]: این پرسشنامه (متناسب با فرهنگ ایرانی براساس شاخص‌های بامریند (۱۹۸۷)) توسط جان‌بزرگی و همکاران [۲۳] تهیه شده است که دارای ۵۷ گویه می‌باشد. این پرسشنامه نگرش والدین را نسبت به روش‌های مختلف تربیت کودکان می‌سنجد و در سه زیر مقیاس مقتدرانه، سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه نسبت به سبک والدینی و تربیت

کودکان نمره را به افراد اختصاص می‌دهد. پاسخ‌نامه این آزمون ۵ گزینه‌ای و به سبک لیکرت بوده که توسط مادران از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم پاسخ داده شد. در پژوهش جان‌بزرگی و همکاران [۲۳] ضریب قابلیت اعتماد همسانی درونی از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای این ابزار معادل ۰/۹۶ محاسبه شده است.

پرسشنامه روان‌بنه- فرم کوتاه [۳۵]: پرسشنامه YSQ-SF شامل ۷۵ گویه است که توسط یانگ تهیه شده است و براساس یافته‌های اشمیت و همکاران [۳۶] پانزده روان‌بنه ناسازگار اولیه را می‌سنجد. هر ماده به کمک شش گزینه و به سبک لیکرت از کاملاً غلط تا کاملاً درست درجه‌بندی می‌شود. نمره بالا در یک خرده‌مقیاس معین احتمال بیشتر وجود یک روان‌بنه ناسازگار را برای آن فرد نشان می‌دهد. در پژوهش والر و همکاران به نقل از صدوقی و همکاران [۳۷] آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۶ و برای تمام خرده‌مقیاس‌ها بالاتر از ۰/۸۰ بود.

داده‌ها بعد از کدگذاری و ورود به رایانه با نرم‌افزار SPSS۱۶ مورد ارزیابی قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات علاوه بر توصیف داده‌های آماری از روش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شد.

یافته‌ها

نتایج حاصل از میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی پنج حوزه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادر و روان‌بنه‌های مربوط به آن‌ها، سبک‌های والدینی مادر و حرمت‌خود کودک در جدول ۱ ارائه شده‌اند.

پیش از انجام رگرسیون چندمتغیره، همبستگی بین پنج حوزه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادر، سبک‌های والدینی مادر و حرمت‌خود کودک بررسی شد که در جدول ۲ نمایش داده شده است.

همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، میان تمامی متغیرهای ذکر شده مربوط به مادر و حرمت‌خود کودک همبستگی معنادار معکوسی وجود دارد به جز رابطه معنادار میان سبک‌والدینی مقتدرانه و حرمت‌خود کودک که رابطه‌ای مستقیم است.

برای بررسی قدرت سه سبک والدینی در پیش‌بینی حرمت‌خود از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. مقیاس حرمت‌خود کودک به عنوان متغیر ملاک و ۳ مقیاس سبک‌های والدینی به عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد معادله رگرسیون چندمتغیره شدند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون در جدول ۳ نمایش داده شده است.

چنانچه در جدول دیده می‌شود مقیاس حرمت‌خود کودک صرفاً توسط متغیر سبک والدینی سخت‌گیرانه (ضریب بتا = -۰/۲۲۰) پیش‌بینی می‌شود ($p < ۰/۰۵$ و $F(۳, ۳۳۵) = ۴/۰۸۰$). به‌طور کلی این سه متغیر قادرند حدود ۸ درصد از پراکندگی نمرات حرمت‌خود کودک را پیش‌بینی کنند ($R^2 = ۰/۰۸$).

به‌طور کلی نتایج رگرسیون حاکی از آن است که میزان رابطه

جدول ۱- میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش

مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادر				
حوزه انفصال و طردشدگی	۴۶/۹۸۶۴	۱۷/۸۸۸۹	۱/۵۸۳	۳/۹۸۲
رهاشدگی / بی‌ثباتی	۱۱/۷۹۵۳	۵/۷۳۸۷۱	۰/۹۳۲	-۰/۲۲۸
بی‌اعتمادی / سوءاستفاده	۱۰/۵۷۱۷	۵/۲۱۱۶۰	۱/۱۲۵	۱/۰۰۲
محرومیت عاطفی	۱۰/۵۱۹۳	۵/۷۵۳۱۳	۱/۲۲۹	-۰/۹۱۴
نقص / شرم	۶/۷۲۰۱	۳/۱۴۲۳۳	۳/۲۰۸	۱۳/۹۱۳
انزوای اجتماعی / احساس بیگانگی	۸/۲۹۹۸	۴/۳۲۱۹۱	۱/۸۹۰	۳/۸۱۵
حوزه استقلال و عملکرد معیوب	۳۴/۸۰۸۱	۱۴/۵۶۲۲	۱/۵۱۶	۲/۶۱۶
وابستگی / بی‌کفایتی	۷/۵۲۰۳	۳/۶۸۸۴۸	۲/۰۶۸	۴/۸۵۹
آسیب‌پذیری در برابر خطر	۸/۹۷۲۰	۵/۳۳۰۴۲	۱/۷۵۱	۲/۷۸۵
گرفتارشدگی / خود تحول نیافتگی	۱۰/۰۶۰۷	۵/۳۶۸۱۹	۱/۱۴۳	-۰/۵۸۸
شکست	۸/۹۲۴۴	۴/۷۷۹۵۹	۱/۶۱۶	۲/۵۳۳
حوزه محدودیت‌های آسیب‌زا	۲۶/۸۰۶۱	۹/۴۵۲۵	۰/۴۶۰	-۰/۰۸۶
محق بودن / خود بزرگ‌بینی	۱۴/۴۰۶۶	۵/۲۶۱۱۹	۰/۳۷۶	-۰/۲۵۶
خودمهارگری ناکافی / انضباط فردی ناکافی	۱۲/۵۰۶۸	۵/۴۸۵۲۰	۰/۵۸۸	-۰/۳۲۷
حوزه جهت‌گیری دگرسو	۲۸/۵۲۸۳	۹/۲۸۵۴	۰/۶۰۹	-۰/۱۴۳
انقیاد	۹/۹۹۶۶	۵/۶۷۵۴۰	۱/۴۸۰	۱/۷۶۹
از خودگذشتگی	۱۸/۵۶۵۲	۵/۹۳۸۱۲	-۰/۱۶۱	-۰/۷۹۰
حوزه گوش‌به‌زنگی افراطی و بازداری	۳۰/۰۴۴۸	۹/۶۸۴۲	۰/۴۰۵	-۰/۲۷۲
بازداری هیجانی	۱۱/۶۳۳۷	۶/۱۸۹۳۱	۰/۸۸۶	-۰/۰۶۷
استانداردهای سخت‌گیرانه / عیب‌جویی افراطی	۱۸/۴۹۱۶	۵/۶۷۹۸۳	-۰/۱۰۵	-۰/۶۹۶
سبک‌های والدینی مادر				
سبک والدینی مقتدرانه	۴/۱۳۸۱	۰/۴۳۵۹۰	-۰/۵۰۱	-۰/۰۹۸
سبک سخت‌گیرانه	۲/۱۷۲۸	۰/۵۰۷۲۸	۰/۸۰۷	۱/۱۱۴
سبک سهل‌گیرانه	۲/۵۸۶۵	۰/۵۲۳۶۱	۰/۳۳۸	۰/۳۷۵
حرمت خود کودک	۳۷/۸۸۵۴	۷/۳۴۵۶۹	-۰/۹۶۲	۰/۶۰۸

جدول ۲- نتایج تحلیل همبستگی بین حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادر، سبک‌های والدینی مادر و حرمت خود کودک

مقیاس‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
حوزه انفصال و طردشدگی مادر	۱								
حوزه استقلال و عملکرد معیوب مادر	۰/۷۱۴ ^{**}	۱							
حوزه محدودیت‌های آسیب‌زا مادر	۰/۵۹۹ ^{**}	۰/۵۳۳ ^{**}	۱						
حوزه جهت‌گیری دگرسو مادر	۰/۵۹۹ ^{**}	۰/۵۸۹ ^{**}	-۰/۴۷۹ ^{**}	۱					
حوزه گوش‌به‌زنگی افراطی و بازداری مادر	۰/۵۷۸ ^{**}	۰/۵۱۵ ^{**}	-۰/۵۸۴ ^{**}	۰/۵۵۵ ^{**}	۱				
سبک والدینی مقتدرانه مادر	-۰/۲۲۵ ^{**}	-۰/۱۳۳ ^{**}	-۰/۲۰۷ ^{**}	-۰/۰۸۴	-۰/۰۷۲	۱			
سبک والدینی سخت‌گیرانه مادر	۰/۴۶۲ ^{**}	۰/۳۴۹ ^{**}	-۰/۳۹۸ ^{**}	۰/۲۸۵ ^{**}	۰/۳۴۳ ^{**}	-۰/۳۲۴ ^{**}	۱		
سبک والدینی سهل‌گیرانه مادر	۰/۳۵۳ ^{**}	۰/۲۶۰ ^{**}	۰/۳۰۶ ^{**}	۰/۲۳۹ ^{**}	۰/۲۵۳ ^{**}	-۰/۱۷۰ ^{**}	۰/۴۶۹ ^{**}	۱	
حرمت خود کودک	-۰/۲۳۰ ^{**}	-۰/۱۹۹ ^{**}	-۰/۱۵۸ ^{**}	-۰/۲۰۰ ^{**}	-۰/۱۰۳ ^{**}	۰/۱۹۹ ^{**}	-۰/۲۹۱ ^{**}	-۰/۱۵۱ ^{**}	۱

** P<۰/۰۱ * P<۰/۰۵

نوع روان‌بنه، از پانزده روان‌بنه نیز به‌طور جداگانه استفاده شد. برای این منظور نیز از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. مقیاس حرمت خود کودک به عنوان متغیر ملاک و حوزه‌ها و ابعاد روان‌بنه مادر به عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد معادله رگرسیون چندمتغیره شدند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون در جدول ۴ نمایش داده شده است.

هریک از ۳ مقیاس سبک‌های والدینی با حرمت خود کودک متفاوت است به نحوی که سبک والدینی سخت‌گیرانه بیش از دو سبک دیگر در این زمینه ایفای نقش می‌کند. سؤال دیگر این پژوهش به دنبال بررسی قدرت هر یک از حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادر در پیش‌بینی حرمت خود کودک می‌باشد اما برای جزئی‌تر بودن نتایج و مشخص کردن

جدول ۳- تحلیل رگرسیون چندمتغیره مقیاس حرمت‌خود کودک بر روی ۳ مقیاس سبک‌های والدینی مادر

سبک فرزندپروری ↓	←	مقتدرانه	سخت‌گیرانه	سهل‌گیرانه
نسبت F			۱۰/۶۶	
درجه آزادی			۳ و ۳۵۱	
سطح معناداری			۰/۰۰۰۱	
R ²			۰/۰۸	
ضریب بتا		۰/۱۰۶	-۰/۲۲۰	-۰/۰۳۲
ضریب b	۱/۷۸۹		-۳/۲۹۰	-۰/۴۶۵
t	۱/۹۶۲		-۳/۶۸۴	-۰/۵۴۷
سطح معناداری	۰/۰۵۱		۰/۰۰۰۱	۰/۵۸۵

جدول ۴- تحلیل رگرسیون چندمتغیره مقیاس حرمت‌خود کودک بر روی ۵ حوزه و ۱۵ بعد روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادر

F نسبت	درجه آزادی	سطح معناداری	R ²	ضریب b	ضریب بتا	t	سطح معناداری
				-۰/۱۱۸	-۰/۲۵۹	-۲/۷۸۲	۰/۰۰۶
				۰/۰۴۳	۰/۰۷۹	۰/۹۲۰	۰/۳۵۸
۴/۰۸	۳۰۰ و ۵	۰/۰۰۱	۰/۰۶۴	-۰/۰۰۲	-۰/۰۰۳	-۰/۰۳۷	۰/۹۷۰
				-۰/۱۳۳	-۰/۱۵۶	-۱/۹۶۲	۰/۰۵۱
				۰/۱۱۶	۰/۱۴۶	۱/۸۶۴	۰/۰۶۳
				-۰/۱۱۵	-۰/۰۸۳	-۱/۱۶۳	۰/۲۴۶
				-۰/۱۵۶	-۰/۱۰۰	-۱/۲۵۷	۰/۲۱۰
				-۰/۰۲۲۵	-۰/۱۵۹	-۲/۱۵۱	۰/۰۳۲
				-۰/۰۳۴	-۰/۰۱۳	-۰/۱۶۳	۰/۸۷۱
				-۰/۰۱۴	-۰/۰۰۷	-۰/۰۸۰	۰/۹۳۶
				۰/۰۳۶	۰/۰۱۷	۰/۱۹۰	۰/۸۴۹
				۰/۱۵۳	۰/۰۹۵	۱/۲۹۸	۰/۱۹۵
۱/۷۰	۱۵ و ۲۹۰	۰/۰۴	۰/۰۸۰	-۰/۰۰۵	-۰/۰۰۳	-۰/۰۴۵	۰/۹۶۴
				-۰/۰۶۷	-۰/۰۴۱	-۰/۴۶۴	۰/۶۴۳
				۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	-۰/۰۰۳	۰/۹۹۷
				۰/۰۳۴	۰/۰۲۳	۰/۳۰۸	۰/۷۵۸
				-۰/۱۴۰	-۰/۰۹۸	-۱/۱۶۳	۰/۲۴۶
				-۰/۰۹۳	-۰/۰۷۱	-۱/۰۲۲	۰/۳۰۸
				۰/۲۰۱	۰/۱۶۰	۲/۰۴۰	۰/۰۴۲
				۰/۰۱۳	۰/۰۰۹	۰/۱۳۴	۰/۸۹۴

را پیش‌بینی کنند ($R^2 = 0/08$). به‌طور کلی نتایج رگرسیون حاکی از آن است که میزان رابطه هریک از حوزه‌ها و ابعاد روان‌بنه مادر با حرمت‌خود کودک متفاوت است به نحوی که حوزه انفصال و طردشدگی و ابعاد محرومیت عاطفی و بازداری هیجانی بیش از سایر حوزه‌ها و ابعاد در این زمینه ایفای نقش می‌کنند.

بحث

در سطح مفهومی، حرمت‌خود را به‌طور سنتی به عنوان بخش ارزیابی شده خودپنداشت در نظر گرفته‌اند [۲، ۱]. حرمت‌خود در

چنان‌چه در جدول دیده می‌شود حوزه انفصال و طردشدگی (ضریب بتا = $-0/259$)، از میان پنج حوزه، قابلیت پیش‌بینی حرمت‌خود کودک را داراست ($F(5 و 300) = 4/08$ و $p < 0/05$). این ۵ متغیر روی هم رفته قادرند حدود ۶/۴ درصد از پراکندگی نمرات حرمت‌خود کودک را پیش‌بینی کنند ($R^2 = 0/064$).

همچنین از میان پانزده روان‌بنه ناسازگار اولیه مادر، دو روان‌بنه محرومیت عاطفی (ضریب بتا = $-0/159$) و بازداری هیجانی (ضریب بتا = $0/160$) قادرند حرمت‌خود کودک را پیش‌بینی کنند ($F(15 و 290) = 1/70$ و $p < 0/05$). این ۱۵ متغیر روی هم رفته قادرند حدود ۸ درصد از پراکندگی نمرات حرمت‌خود کودک

حرمت خود است و مادرانی که به سبب وجود روان‌بند محرومیت عاطفی احساس می‌کنند که تمایلات و نیازهای آنان به حمایت‌های عاطفی به اندازه کافی از جانب دیگران ارضا نمی‌شود و به همین دلیل خود را از محبت، همدلی و حمایت محروم می‌دانند نمی‌توانند سطح بهینه‌ای از حرمت خود را در کودکانشان پرورش دهند زیرا تمایل دارند از برقراری روابط بین فردی نزدیک اجتناب کنند. عامل دوم، به لحاظ اهمیت، بازداری هیجانی بود. این روان‌بند ناسازگار از طریق تاکید افراطی که بر عقلانیت و نادیده گرفتن هیجان‌ها و همچنین بازداری از بیان تکانه‌های مثبت دارد می‌تواند به طور غیرمستقیم و از طریق سبک والدینی و حتی به طور مستقیم مانع از رشد حرمت خود کودک شود زیرا موجب بازداری افراطی در روابط و منزوی و بی‌عاطفه جلوه کردن آنها می‌شود. نکته حائز اهمیت در رابطه با دو روان‌بند ناسازگار مذکور این است که در هر دو تمایل به محدود کردن روابط وجود دارد.

یافته‌های این پژوهش همسو با پژوهش‌های پیشین می‌باشد. از جمله پژوهش کیم و کیچتی [۴۰]، مبنی بر اینکه تجارب منفی در دوره کودکی از جمله مراقبت ناکافی و بد رفتاری با کودک، بر روی رشد هیجانی کودک اثر منفی می‌گذارد و منجر به حرمت خود کم، ادراک نادرست از شایستگی و کمبود انگیزه درونی در او می‌شود.

اهمیت حرمت خود در پیش‌بینی جنبه‌های گوناگون بهزیستی اعم از شخصی و روان‌شناختی بارها مورد تأیید قرار گرفته است. بسیاری از متخصصان خانواده معتقدند که حرمت خود، مهمترین و منحصر به فردترین عامل شکل‌گیری زندگی شخصی است [۴۱]. به اعتقاد مایرز و دینر (۱۹۹۶) افرادی که از بهزیستی شخصی بالایی برخوردارند، دارای سطوح بالای حرمت خود نیز هستند؛ یافته‌های پارادایز و کرنیس نیز حاکی از ارتباط بین بهزیستی روان‌شناختی و بالا بودن حرمت خوداند [۴۲] و بنابر پژوهش حاضر حرمت خود کودکان در خانواده‌های تهرانی تا حد زیادی می‌تواند تحت تأثیر سبک والدینی و روان‌بند‌های ناسازگار اولیه مادران آنها باشد و برای بهینه‌بودن سطح حرمت خود کودکان، فرهنگ سازی سبک والدینی مقتدرانه و آموزش باورهای منطقی از اهمیت برجسته‌ای برخوردار است.

پژوهش حاضر محدودیت‌هایی نیز دارد. نمونه حاضر صرفاً یک نمونه دانش‌آموزی است و هرچند از تعداد مناسبی برخوردار می‌باشد اما تعمیم آن به جمعیت غیردانش‌آموزی و سنین و شهرهای دیگر باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین محدودیتی که ابزارها برای تعمیم نتایج ایجاد می‌کنند و غیرقابل اجتناب بوده‌اند را نیز باید در نظر بگیریم. از طرفی عدم مشارکت پدران در پژوهش را نیز باید یکی از محدودیت‌های مطالعه حاضر دانست که با توجه به نقش حساس پدران در حرمت خود کودکان

کودکی با سلامت روانی در زندگی آینده رابطه دارد و فقدان آن به حالت‌های مرضی همچون افسردگی و اضطراب می‌انجامد. به‌طور کلی به نظر می‌رسد که حرمت خود یا حرمت خود مثبت از نظر روان‌شناختی دال بر وجود سلامت است [۲۶] و آنگونه که جوشن‌لو و همکاران معتقدند [۳۸]، حرمت خود یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های قدرتمند برای بسیاری از ابعاد سلامت روانی در ایران است.

تحقیقات انجام شده در سایر نقاط دنیا حاکی از آن هستند که سبک‌های والدینی مادر همبستگی قابل قبولی با سطح حرمت خود کودک دارند و قادر به پیش‌بینی این مهم می‌باشند. به‌طور نظری نیز به نقش پیش‌بینی‌کنندگی روان‌بند در حرمت خود اشاره شده است. در پژوهش حاضر سعی شد قدرت سبک‌های والدینی و روان‌بند‌های منفی مادر در پیش‌بینی سطح حرمت خود کودک در نمونه‌ای ایرانی مورد بررسی قرار گیرد.

نتایج تحلیل‌ها در رابطه با سبک‌های والدینی مادران حاکی از آن است که در این نمونه دانش‌آموزی، سبک‌های والدینی با سطح حرمت خود کودک رابطه معناداری دارند و از بین سه سبک متداول والدینی، سبک والدینی مقتدرانه همبستگی مثبت و از بین دو سبک والدینی دیگر که دارای همبستگی منفی هستند، سبک والدینی سخت‌گیرانه همبستگی منفی قوی‌تری با سطح حرمت خود کودکان دارد و بیش از سایر سبک‌ها قادر به پیش‌بینی این عامل بوده است. زیرا والدینی که دارای این سبک والدینی هستند می‌کوشند رفتارها و نگرش‌های فرزندانشان را براساس مجموعه‌ای از معیارهایی که به وسیله یک حالت سلطه مدار هدایت می‌شود، شکل داده و کنترل و ارزیابی کنند. لذا حرمت خود که ارزشیابی کلی ما نسبت به فضایل و قابلیت‌هایمان، ارزش‌هایمان، اجزای بدنی، پاسخ‌های دیگران نسبت به خود و حتی گاهی نسبت به دارایی‌هایمان است خدشه‌دار خواهد شد و به سطح بهینه نخواهد رسید.

نتایج همبستگی در خصوص روان‌بند‌ها نیز نشان داد که میان روان‌بند‌های ناسازگار اولیه مادر با حرمت خود کودک ارتباط معناداری وجود دارد. به‌گونه‌ای که حوزه انفعال و طردشدگی مادر قادر به پیش‌بینی حرمت خود کودک می‌باشد و به گفته یانگ [۳۹] افرادی که دارای این حوزه از روان‌بند‌ها هستند، نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و رضایت‌بخشی برقرار کنند و همچنین که جان‌بزرگی [۳۲] معتقد است این افراد انتظار دارند که نیازهای آنان به مهرورزی، همدلی، درمیان گذاشتن احساسات به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی برآورده نشود، لذا طبیعی است که این مادران به علت داشتن چنین باورهایی نتوانند رابطه خوبی با کودکانشان برقرار کنند و احساس ارزشمندی را در آنها پرورش دهند.

از میان پانزده روان‌بند ناسازگار سنجیده شده در مادران نیز، محرومیت عاطفی بیش از سایر عوامل قادر به پیش‌بینی

- Psychol sci public interest. 2003;1:1-44.
- 15- Harter S. Identity and self development. In S. Feldman and G. Elliott (Eds.), *At the threshold: The developing adolescent*. Cambridge, MA: Harvard University Press; 1990.
- 16- Williams SR, Demo D. Situational and trans situational determinants of adolescent self-feelings. *J Pers Soc Psychol*. 1983;44:824-33.
- 17- Heydari M, deghani M, Khodapanahi MK. The impact of perceived parenting style and gender on self-handicapping. *J Fam Res*. 2009;5(18):125-37.
- 18- Martinez I, Garcia JF. Internalization of values and self-esteem among Brazilian teenagers from authoritative, indulgent, authoritarian, and neglectful homes, adolescence (San Diego): An international quarterly devoted to the physiological, psychological, psychiatric, sociological, and educational aspects of the second decade of human life. 2008;43(169):13.
- 19- Lindsey EW, Cremeens PR, Colwell MJ, Caldera YM. The structure of parent-child dyadic synchrony in toddlerhood and children's communication competence and self-control. *social devel*. 2009;18(2):375-96.
- 20- Enten RS, Golan M. Parenting styles and eating disorder pathology. *J Appetite*. 2009;52:784-7.
- 21- Haycraft E, Blissett J. Eating disorder symptoms and parenting styles. *J Appetite*. 2010;54:221-4.
- 22- Coplan RJ, reichel M, Rowan K. Exploring the associations between maternal personality, child temperament, and parenting: A focus on emotions. *Pers Individ Diff*. 2009;46:241-6.
- 23- Jonbozorgi M, Nori N, Rajezi Esfahani S. The relationship between parenting styles and children's prosocial behaviour. *Pajoohandeh J*. 2009;13(6):519-27. [Persian]
- 24- Ghanbari S, Nadali H, Seyyed Moosavi P. Relationship between parenting styles and internalizing symptoms in children. *J Behav Sci*. 2009;3(2):23-24. [Persian]
- 25- Zervides S, Knowles A. Generational changes in parenting styles and the effect of culture. *E-J Appl Psychol*. 2007;3(1):65-75.
- 26- Janbozorgi M, Noori N, Agah-Heris M. Morality, social behavior, and rule acceptance training for children. Tehran: Arjmand; 2011. [Persian]
- 27- Filiz Z, Yaprak B. A study on classifying parenting styles through discriminant analysis. *J Theo Pract Educ*. 2009;5(2):195-209.
- 28- Young JE, Weinberger AD, Beck AT. Cognitive therapy for depression. In DH. Barlow (Ed.), *Clinical Handbook of Psychological Disorders: A step-by-step treatment manual*, New York: Guilford Press; 2001.
- 29- Young JE. *Schema therapy for borderline and narcissistic personality disorders*. Pittsfield, MA: New England Educational Institute; 2003.
- 30- Young JE. *Cognitive therapy for personality disorders: A schema focused approach*. Sarasota, FL: Professional Resource Press; 1990.
- 31- Stallard P. Early maladaptive schemas in children: Stability and differences between a community and a clinic referred sample. *Clin Psychol Psychother*. 2007; 14:10-8.
- 32- Janbozorgi M. New approach in psychotherapy and counseling. Research Institute Hawzah and University and SAMT. In press. [Persian]
- 33- Coopersmith S. *The antecedents of self-esteem*. Freeman and Company Sanfrancisco; 1967.
- 34- Nayebifard A. Standardization of Coopersmith self-esteem scale [Dissertation]. Tehran: Allameh Tabatabaei

می‌تواند در پژوهش‌های آتی در نظر گرفته شود. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر بر روی جمعیت سنین مختلف و شهرهای دیگر که از فرهنگ منسجم تری برخوردارند تکرار شود. چنانچه بتوان ابزارهایی با مشخصه‌های ملی برای سنجش روان‌بندها طراحی کرد بررسی متغیرهای وابسته به آن می‌تواند راهکارهای موثری برای دست‌اندرکاران تربیت باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش اینگونه به نظر می‌رسد که در خانواده‌های تهرانی حرمت‌خود کودکان تا حد زیادی می‌تواند تحت تأثیر سبک‌های والدینی و روان‌بندهای مادران آنها باشد. لذا برای بهینه‌بودن سطح حرمت‌خود کودکان، فرهنگ‌سازی سبک‌والدینی مقتدرانه و آموزش باورهای منطقی به والدین به‌خصوص مادران، از اهمیت برجسته‌ای برخوردار است.

منابع

- 1- Purkey WW. *Self-concept and school achievement*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall; 1970.
- 2- Shavelson J, Hubner JJ, Stanton GC. *Self-concept: Validation of construct interpretations*. *Rev Educ Res*. 1976;46:407-42.
- 3- Berk LE. *Child development*. Boston: Allyn and Bacon; 2003.
- 4- Plug C, Louw DA, Gouws, LA, Meyer WF. *Explanatory and translatory psychology dictionary*. 1997.
- 5- Branden N. *The psychology of self-esteem. A new concept of man's psychological nature*. Los Angeles: Nash; 1969.
- 6- Judge TA, Erez A, Bono JE. The power of being positive: The relation between positive self-concept and job performance. *Hum Perfor*. 1998;11:167-87.
- 7- Rugel RP. *Dealing with the problem of low self-esteem: Common characteristics and treatment in individual, marital/family and group psychotherapy*. Springfield, IL: Charles C. Thomas; 1995.
- 8- Williams N. *The work we were born to do*. London: Element Books; 2001.
- 9- Van Zyle JD, Cronje EM, Payze C. Low Self-esteem of psychotherapy patients: A qualitative inquiry. *Qual Rep*. 2006;1:182-208.
- 10- Garaigordobil M, Durá A, Pérez JI. Psychopathological symptoms, behavioural problems, and self-concept/self-esteem: A study of adolescents aged 14 to 17 years old. *Ann Clin Health Psychol*. 2005;1:53-63.
- 11- Sánchez E, Barrón A. Social psychology of mental health: The social structure and personality perspective. *Span J Psychol*. 2003;6:3-11.
- 12- Smedema SM, Catalano D, Ebener DJ. The relationship of coping, self-worth, and subjective well-being: A structural equation model. *Rehabil Couns Bull*. 2010;53(3):131-42.
- 13- Vacek KR, Coyle LD, Vera EM. Stress, self-esteem, hope, optimism, and well-being in urban, ethnic minority adolescents. *J Multicultural Couns Dev*. 2010;38(2):99-111.
- 14- Baumeister RF, Campbel JD, Krueger JI, Vohs KD. Does high self-esteem cause better performance, interpersonal success, happiness, or heal their life styles?

the predictors of hedonic balance in Iranian University students. *Adva cognit sci*. 2010;12(2):40-8. [Persian]

39- Young JE, Klosko J, Weishoar ME. *Schema therapy: A practitioner's guide*. Guilford Press; 2003.

40- Kim J, Cicchetti D. A longitudinal study of child maltreatment, mother-child relationship quality and maladjustment: The role of self-esteem and social competence. *J Abn Child Psychol*. 2004;32:341-54

41- Lingren GH. *Self-esteem in children. Children and family*. Cooperative Extension Service: CF-12. 1991.

42- Joshanloo M, Rostami R, Nosratabadi M. Examining the factor structure of the Keyes comprehensive scale of well-being. *J Iranian psychol*. 2006;3(9):35-51. [Persian]

University; 2002. [Persian]

35- Young JE. *Young schema questionnaire short form*. New York: Cognitive Therapy Center; 1998.

36- Schmidt NB, Joiner TE, Young JE, Telch MJ. The schema questionnaire: Investigation of psychometric properties and the hierarchical structure of a measure of maladaptive schemas. *Cogn Ther Res*. 1995;19:295-321.

37- Sadooghi Z, Aguilar-Vafaie M, Rasoulzadeh-Tabatabaie K, Esfehaniai N. Factor analysis of the young schema questionnaire-short form in a nonclinical Iranian sample. *Iranian J Psychait Clin Psychol*. 2008;14(2):214-9. [Persian]

38- Joshanloo M, Daemi F, Bakhshi A. Examination of